



قشر بندی اجتماعی؛ مسایل ارضی و کشاورزی جوامع روستایی طی دوران پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷)

خدیدجه کارگر اسفندآبادی^{۱*}، علی یوسفی^۲، آرزو رحیمی^۳

- ۱- دکترای علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی (دام و طیور)، دانشگاه بیرجند، دانشکده کشاورزی
- ۳- دانشجوی دکترای علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

*khadijeesfandabadi@gmail.com

ارسال: اسفند ماه ۹۵ پذیرش: تیر ماه ۹۶

چکیده

جامعه روستایی بعد از انقلاب با تأثیرپذیری از تحول انقلابی حادث شده در جامعه حالت بسته، ایستا و توده ای بودن خود را تا اندازه ای از دست داده است. تحرک حاصل شده در جامعه روستایی موجب شد اصلاحات ارضی بعد از انقلاب برخلاف اصلاحات ارضی قبل از انقلاب که از بالا به پایین بود صورت ترکیبی پیدا کند، یعنی هم حرکتها و اعتراضات دهقانی رادر برخی از مناطق روستایی و هم اقدام حکومت را برای تدارک و اجرای اصلاحات ارضی داشته باشیم اصلاحات ارضی اسلامی از سطوح میانی جامعه با مشارکت جوانان اندیشه ورز شهری آغاز شد به هر حال پس از انقلاب اسلامی قدرتمندان محلی چون مالکان، سرمایه داران ارضی، خرده سرمایه داران روستایی و دهقانان مرفه پایگاه اجتماعی خود را در جامعه روستایی از دست داده و جای خود را به نهادهای جدید مانند شوراهای اسلامی، بسیج و غیره دادند. عدم حضور مالکین بزرگ و اقشار بالای جامعه به اقشار متوسط روستا این فرصت را داد تا خود را در هرم قشر بندی اجتماعی بالا بکشند. پس از پیروزی انقلاب یکی از اصلی ترین مسائلی که برای حل مشکلات و معضلات روستاهای ایران حس می شد، حل مسئله زمین بود تا از این طریق بتوانند دگرگونی های لازم را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاهای ایران حل نمایند.

کلمات کلیدی: انقلاب اسلامی، خرده مالکان، خوش نشینان، مسائل اراضی.

۱. مقدمه

جامعه روستایی بعد از انقلاب با تأثیرپذیری از تحول انقلابی حادث شده در جامعه حالت بسته، ایستا و توده ای بودن خود را تا اندازه ای از دست داده است [۱]. احمد اشرف نیروهای عمده کشاورزان رادر آستانه انقلاب چنین مطرح می کند: یکم، بهره برداران بزرگ، متوسط و کوچک تجاری؛ دوم، گروه کوچکی از دهقانان مرفه و خرده سرمایه داران روستایی؛ سوم، دهقانان کم زمین و کشاورزان بی زمین در قاعده هرم اجتماعی، بهره برداران تجاری، دهقانان مرفه و صاحبان سرمایه های کوچک روستایی در حفظ و نگهداری وضع موجود کوشا بودند و دهقانان میانه حال نیز زمینه اجتماعی قدرت دهقانان مرفه را فراهم می ساختند.

دهقانان کم زمین وضع متزلزلی میان دهقانان میانه حال و کشاورزان داشتند و کشاورزان بی زمین تنها قشری بودند که منافع مشخصی دربرهم خوردن نظام موجود زمین داری و توزیع مجدد اراضی دارند [۲]. در دوران گذشته، که نیروهای اجتماعی سازمان و تشکیلات نداشتند و از ابزار وجود محروم بودند، قشرهای عمده روستایی نیز همان وضع را داشتند و اختلاف میان آنان همچون آتش زیرخاکستر بود، از این روهنگامی که انقلاب اوج گرفت و بهره برداران بزرگ صحنه را خالی کردند و یاری میانی نیروهای روستایی آشکار شد. زمینداران بزرگتر که هنوز برجایمانده بودند در فکر حفظ و در صورت امکان افزایش زمینهای خود؛ دهقانان کم زمین در فکر به دست آوردن زمین کافی؛ و کشاورزان بی زمین در فکر زمین دار شدن و به دهقانان زمین داری پیوستن بودند. همزمان با فروپاشی نظام گذشته دو واکنش متضاد در زمینه مسائل ارضی و دهقانی ظاهر شد. یکی، واکنش گروهی از اربابان سابق بود، که به بهانه محترم بودن مالکیت در اسلام خواهان الغای اصلاحات ارضی رژیم سابق شده و در مواردی، هر چند معدود (در خراسان، بلوچستان، کردستان و ارومیه)، به باز پس گرفتن اراضی تقسیم شده، دست کم موقتاً توفیق یافتند. دیگری واکنش سریع نیروهای در حال گسترش چپ بود که بلافاصله مسئله ارضی را در راس برنامه کار خود قرار دادند و حتی در مناطقی که زمینه مساعد بود باقیام مسلحانه اراضی را تقسیم کردند و به آتش مسئله ارضی دامن زدند و بر سر این کار با یکدیگر به رقابت برخاستند. گذشته از آن، مصادره اراضی متعلق به وابستگان رژیم سابق از سوی بنیاد مستضعفین نیز پیش از پیش بنیان مالکیت ارضی را متزلزل کرد. برخی حرکات فرصت طلبان روستایی نیز، که غالباً از دهقانان مرفه و خرده سرمایه داران روستا بودند و بزرگتری خود را می خواستند و به املاک بزرگ چشم می داشتند، پهنه کار را گسترده تر کرد. در این میان بهره برداران متوسط و نسبتاً بزرگ تجاری، که شمارشان بالنسبه زیاد بود و نیروی بسیج قابل ملاحظه‌ای داشتند، بالنسبه خود را در خطر دیدند و به متشکل کردن نیروهای پراکنده خود پرداختند و سومین واکنش را با حمایت دولت موقت نشان دادند.

حدود یک سال درگیری میان نیروهای خواهان مصادره اراضی بانبروهای هوادار نظم و امنیت و قانون چهارمین واکنش را جهت یافتن راه حل که بر معنای مالکیت مشروع و محدود زمین شالوده داشت و در واقع بر آیندی از واکنشهای افراطی پیشین بود. زیر عنوان بند (ج) و (د) به صورت یک جنبش اجتماعی در زمینه مسائل ارضی و دهقانی به جریان افتاد. اصلاحات ارضی بعد از انقلاب که با بحث و مشاجره های عدیده ای از سوی طیف های مختلف همراه بود با هدف واگذاری زمین به دهقانان کم زمین و روستائیان بی زمین صورت گرفت. به لحاظ قشر بندی اجتماعی جامعه روستایی بعد از انقلاب تغییرات قابل توجهی را تجربه می کند. بعد از انقلاب قشرهای بالای سلسله مراتب اجتماعی بدلیل ارتباط با نظام حاکم قبلی حذف شدند ولی دهقانان مرفه و متوسط از موقعیت مناسبتری برخوردار شدند. به نظر (سیروس یگانه) بعد از انقلاب مالکیت خصوصی کوچک و متوسط و مالکیت دولتی حفاظت شدند و افزایش یافتند. عدم حضور مالکین بزرگ و اقشار بالای جامعه به اقشار متوسط روستا این فرصت را داد تا خود را در هرم قشر بندی اجتماعی بالا بکشند. و در موقعیت مسلط قرار گیرند در حالی که اقشار پایین دهقانی همچنان در وضعیت ثابت باقی بمانند. وضعیت افراد بدون زمین روستایی وخیم است. نه بخش کشاورزی قادر به عرضه کار برای آنهاست و نه بخش غیر زراعی روستایی توانایی جذب آنها را دارد [۳]. اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ اگرچه با شعار (زمین از آن بزرگ) آغاز شد و قرار بود دارای ماهیت و خصلتی مساوات گرایانه باشد، ولی تصویب قوانین و اجرای آن به نحوی صورت گرفت که توزیع زمینها به شکلی کاملاً ناعادلانه صورت پذیرفت و همین امر موجبات ساخت طبقاتی جدید را در روستاها فراهم آورد که مهمترین گروهها و نیروهای این ساخت طبقاتی در آستانه انقلاب اسلامی عبارت بودند از:

(۱) بهره برداران بزرگ، متوسط و کوچک تجاری که بایش از صد هزار نفر در زمینهای بالنسبه آباد به وسعت ۵ تا ۶ میلیون هکتار، ثروت و قدرت در خود، مشغول زندگی بودند.

(۲) گروه کوچکی از دهقانان مرفه و خرده سرمایه داران روستایی که از منزلت اجتماعی و قدرت اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار بودند.

۳) دهقانان کم زمین وبدون زمین که در قاعده هرم اجتماعی روستایی، باجمعیتی بالغ بر ۵/۱ میلیون نفر از کشاورزان که در تب و تاب صاحب زمیندارشدن بودند [۴].

درمجموع اصلاحات ارضی ۴۱ نتوانست بطور بنیادی مسائل ومشکلات روستا وروستائیان راحل نماید وبسیاری از مشکلات همچنان باقی ماند. بهمین دلیل باوقوع انقلاب اسلامی یک باردیگر مسائل مربوط به زمین وزمینداری درصدرمسائل انقلاب قرارگرفت وتحولاتی رابدنبال داشت. اهمیت این تحقیق در داشتن رویکردی تازه به قشربندی اجتماعی (خرده مالکان) در ایران پس از انقلاب می باشد از این روی بررسی وضعیت این قشر در تحركات اجتماعی درون جامعه ایران ونقش آن در میان طبقات واقشار دیگر در تحولات اجتماعی دوران بعد از انقلاب حائزاهمیت است. درابتدای بحث بایدتعریفی از یکی مفاهیم کلیدی بحث یعنی ((خرده مالک)) صورت گیرد. موقعیت خرده مالک در قشربندی اجتماعی روستاهای ایران به جهت تعاریف مختلفی که از آن شده است تا حدی مبهم است وبه همین جهت همه جا،خرده مالک مفهوم خاص و واحدی ندارد. معمولا خرده مالک کسی را می گویند که مالکیت ارضی کمترازیک دانگ دارد وغالبا به کمک افراد خانواده اش به کشاورزی می پردازد.

۲. روستائیان در آستانه انقلاب

در آستانه انقلاب اسلامی، گذشته از خیل روستائیان بدون زمین، حتی میان بهره برداران مالک زمین نیز توزیع بسیار عادلانه بود. به طور کلی بهره برداران کشاورزی در این دوران به دو گروه عمده قابل تقسیم اند: گروه اول سرمایه داران ارضی (بهره برداریهای تجاری) وگروه دوم بهره برداریهای دهقانی که خود به سه قشر فقیر، متوسط ومرفه تقسیم می شوند. پس از پیروزی انقلاب یکی از اصلی ترین مسائلی که برای حل مشکلات ومعضلات روستاهای ایران حس می شد، حل مسئله زمین بود تا از این طریق بتوانند دگرگونی های لازم را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی در روستاهای ایران حل نمایند. آنطور که سلطه زورگویان وخواین که سالیان متمادی بر روستائیان حاکم بودند محوونابود شود، ودرعوض رابطه یاضابطه ای براساس قسط وعدل اسلامی جایگزین آن مناسبات ظالمانه گردد.

البته دوران پس از انقلاب دارای حساسیتهای ویژه ای بود که در مجموع اجرای چنین تحولی را (ضروری)، (مهم) و(خطیر) می نمود. توضیح آنکه: ازیک طرف وجود روحیه انقلابی بالا در میان مردم ودست اندر کاران انقلاب، انجام چنین دگرگونیهای را سهل می نمود ومقاومت مخالفان را به حداقل ممکن می رساند، واز طرف دیگر عدم وجود یک دیدگاه منسجم و واحد در میان گروههای انقلابی- ازدولت موقت گرفته تا دیگر کانونهای تصمیم گیرنده در امر انقلاب- کارشکنی های مخالفان نظام، وجود هرج ومرجهای داخلی وغیره تحقق صد درصدعینی چنین تحولاتی را با مانع ومشکل روبه رو می نمودند. نتیجه آنکه می بینیم (اصلاحات ارضی) در مقام وضع وعمل در دو سطح متفاوت عمل می نمایند. بدین صورت که علی رغم شمول قوانین اصلاحات ارضی در مقام وضع، به خاطر مصالح انقلابی وملی کشوربخشی از آنها عملا اجرا نگردیده وتنها اصولی چند از (اصلاحات ارضی) توسط شوراها ۷ نفره به اجرا گذارده می شود که در حد خود اصلاحات چشمگیری رابدنبال داشته است. دیدگاهی مختلف در زمینه مسائل مالکیت ارضی پس از انقلاب اسلامی، بافروپاشی نظام شاهنشاهی، پدید آمدن روستائیان موقعیت را برای مطالبه حقوق خود مناسب تشخیص دهند. بنابراین تعداد زیادی از روستائیان به تصرف اراضی و خلع ید از مالکان غاصب آنها پرداختند [۵]. در این میان زمینداران بزرگ که هنوز در مناطق روستایی باقی مانده بودند، سعی در حفظ اراضی خود داشتند که همین باعث شد تا بر خوردهایی میان این دو گروه پدید آید وموجبات بی نظمی وحتى در مواردی قتل وخونریزی رادر سطح روستاها فراهم آورد [۶]. سقوط رژیم پهلوی، گسترش فعالیتها ی انقلابی ونظریه استفاده برخی از گروههای داخلی ویوا بسته به خارج- مثل چپی ها- در ماههای اول پس از پیروزی انقلاب، نوعی بی نظمی رادر کشور ایجاد

کرده بود، مسائل مربوط به زمین، برخورد های انقلابی و قانونی را می طلبید. لذا در همین راستا شاهد انجام اقداماتی اندک از سوی دولت موقت می باشیم. از آن جمله تشکیل شورای کشت و تهیه و تصویب قانون ۱۳۵۸/۶/۲۵ (موسوم به لایحه قانونی نحوه واگذاری اراضی در حکومت جمهوری اسلامی) که اگر چه نتایج قابل توجهی را بدنبال داشتند، لیکن قادر به حل بحران اراضی نبوده و عملاً این بحران ادامه یافت و حتی از لحاظی بر شدت آن نیز افزوده شد. طرفین درگیر در این بحران سعی در حفظ منافع خود داشتند، به طوری که دهقانان، کشاورزان و خوش نشینان کم زمین و بدون زمین، با ارسال طومارها و انجام راهپیمایی و تظاهرات خیابانی مصرحاً خواستار اجرای سریع اصلاحات ارضی و واگذاری زمین شدند و از سوی دیگر مالکان با ارسال شکوائیه های گوناگون به علماء و روحانیون و مراجع تقلید به بهانه محترم بودن اصل مالکیت در اسلام و لطایف الحیل، خواهان الغای اصلاحات رژیم گذشته شدند و با شرایط جدید یاد شده نیز در صدد حفظ اراضی خود برآمدند و بهره برداران متوسط و نسبتاً بزرگ تجاری، با حمایت دولت موقت در فکر تثبیت موقعیت خویش برآمدند. [۷] مسئولان اجرایی کشور از جمله دولت موقت و کارشناسان و برنامه ریزان آن روز کشاورزی، شدیداً با اقدامات روستائیان در مصادره اراضی و اصولاً تقسیم و تفتیح اراضی مخالف بودند. حتی وزیر وقت کشاورزی لایحه متجاوزین و غاصبین را تهیه و در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲ به تصویب شورای انقلاب رساند. این نوع تفکر و بی اعتنایی به خواستها و به حق روستائیان که سالهای متمادی تحت ستم عمده مالکان قرار داشتند و پس از انقلاب فرصت نامناسب برای مطالبه حق می دانستند، باعث گردید تا اقدامات روستائیان در تصرف اراضی عمده مالکان و زمینداران را تشدید کند و خود باعث پیچیدگی های بیشتر مسئله گردند. سوالی که در اینجا مطرح میشود این است که در جریان تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه تغییراتی در قشر بندی اجتماعی و الگوهای مالکیت ارضی در روستاهای ایران اتفاق افتاده است؟

۳. روستا و انقلاب

روستائینی که از شاه حمایت می کردند و روستائینی که مخالف رژیم بودند هر دو در اقلیت بودند و اکثر روستائیان خود را از این گروه مدت ها جدا نگاه داشته بودند. با آنکه مدافعان حکومت در اقلیت بودند ولی اقلیت مهمی را شامل می شدند چرا که با حکومت و با تهران همکاری داشتند و امور روستا را کنترل می کردند و پاداش اقتصادی دریافت می کردند. اکثر ثروتمندان روستا منافع خود را با حکومت یکی می دانستند. روستائیان مخالف رژیم نیز در اقلیت بودند، از آنجا که هر حرکت مخالفی به سرعت بوسیله ژاندارمری و سایر نیروهای امنیتی سرکوب می شد. آگاهی از سرنوشتی که در انتظار افراد متهم به فعالیت ضد حکومتی بود، مانعی قوی برای بیان مخالفت ایجاد می کرد. روستائیان که در جریان تحولات سیاسی در طول سال ۱۳۵۷ به میزان قابل توجهی جسور شده بودند به عنوان مخالفان علنی حکومت سر بر آوردند. در واقع بسیاری از این افراد به فعالان سیاسی تبدیل شدند و در روستاهایشان تظاهرات ضد شاه به راه انداختند. اکثر مخالفان را اعضای دو گروه دهقانان خرده پا و کسبه خوش نشین تشکیل می دادند. دهقانان خرده پا احساس می کردند که سیاستهای حکومت بطور غیر منصفانه ای نسبت به آنها تبعیض قائل می شود. قبل از انقلاب تنها بخشی از آنها جرات می کردند ناراضی خود را آشکارا اعلام کنند. دولت در آغاز سال ۱۳۵۴ تصمیم گرفت که بازارهای نسبتاً مستقل را به طور مستقیم تحت کنترل قرار دهد که این سیاست تأثیر معکوس بر بیشتر بازاریان گذاشت (یک بازار دولتی عملاً بازاری سنتی را ریشه کن می کرد) در بیشتر ماههای سال ۱۳۵۷ اکثر روستائیان نه آشکارا مواضع موافق رژیم اتخاذ کردند نه مخالف آن، آنها عمدتاً به مسائل سیاسی بی علاقه بودند بی اعتنایی ظاهری آنها به دو علت مهم بود: عدم تمایل عمومی به دفاع از کارنامه شاه در طول اوج گیری این بحرانها، نشانه ای از فقدان هرنوع احساس وفاداری گسترده نسبت به او و یا حکومت در روستا بود، دوم: بی میلی مشابهی نیز برای مخالفت با حکومت، به تهران امکان داد که قدرت خود را تا اواخر قیام های انقلاب و حدوداً تا آذر ۱۳۵۷ در بیشتر نواحی روستایی حفظ کنند. [۸]. عموماً در جنبش توده ای برای سلب مالکیت از زمین

که متعلق به مالکان غیابی به ویژه بزرگ مالکان بود روستائیان می کوشیدند سلب مالکیت را براساس یکی یا چنداز این دلایل توجیه کنند:

۱- زمین موردنظر بصورت غیرقانونی بدست آمده .

۲- مالک باپلیس مخفی همکاری داشته.

۳- مالک از کشور گریخته .

۴- زمین زیر کشت نرفته است.

۵- زمین دراصل از کشاورزان مصادره شده است. [۹]

درسالهای انقلاب بین دهقانان وبقایای طبقات زمین دارمنازعاتی درگرفت ازیک طرف دهقانان که زمین گرفته بودند، نگران سلب مالکیت زمین خود ازطرف مالکان بودند ودهقانانی که زمین نداشتندخواستار تقسیم اراضی بزرگ بودند دهقانان متوسط برای جلوگیری ازبازگشت زمینداران بزرگ شوراها و کمیته دهقانی تشکیل دادند. انقلاب اسلامی ایران به دلیل محتوای مکتبی اش باید درجهت محواسنعمار و نابودی جهان خواران، درراس آن امریکا، این شیطان بزرگ گام بردارند و لذا چون فتودالسیسم در شرایط حاضریکی ازبزرگترین حامیان منافع امپریالیسم و مانع رشد اقتصادی کشور مامی باشد باید انقلابی با آن مبارزه نمود. به شواهد موجود در مورد اتخاذ نامقدس فتودالهای منطقه ساری و مازندران و توطئه آنها علیه دهقانان زحمتکش و نیز تهدید برادران سپاه پاسدار برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران، به مسئولین امر (ریاست جمهوری، شورای انقلاب، وزارت کشاورزی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز دادگاههای انقلاب اسلامی) هشدار داده و به آنان اتمام حجت میکنیم تا هرگونه عواقب این امر را خود عهده دار باشند. ما معتقدیم که باید هرچه سریعتر برای پایان دادن به این وضع و پیشگیری از عواقب آن زمین از سرمایه داران بزرگ گرفته و به دهقانان سپرده شود.

۴. اوضاع روستاها در حال حاضر (طی دوران پس از انقلاب ۱۳۵۷)

در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون خانوار که جمعیتی افزون بر ۱۸ میلیون نفر، یعنی بیش از ۵ درصد جمعیت کل کشور را شامل می شوند در روستاهای ایران زندگی می کنند. از این عده حدود ۷۲ درصد، به بهره برداری از زمین مشغول اند، ۱۳ درصد بهره بردار کشاورزی بدون زمین (دامداری، مرغداری. . .) و ۱۵ درصد بقیه کارگر کشاورزی باشند، از حدود ۱۶ میلیون هکتار زمین زیر کشت بیش از ۹۰ درصد به صورت اجاره ای و ملکی - اجاره داری و مابقی یعنی ۴ درصد به سایر طرق مورد بهره برداری قرار می گیرد. نسبت توزیع زمین به نحو تعجب آوری مشابه همان نسبت های سال ۱۳۳۹ است این امر نشان می دهد "اصلاحات ارضی" هیچ اقدامی در جهت توزیع و تقسیم زمین انجام نداده و تنها تغییر ظاهری انجام شده تبدیل نسق زراعی به مالکیت بوده است. در حال حاضر وضعیت طبقات در روستا به شرح زیر است:

۱- کارگر مزدور کشاورزی

۲- دهقانان فقیر که علاوه بر کار روی زمین خود عمده درآمد خود را از فروش نیروی کار تأمین می کنند.

۳- دهقانان میانه حال که حاصل کارش روی زمین خود برای گذراندن امورات زندگی تقریباً کافی است و به نسبت مقدار کمی از نیروی کار دیگران استفاده می کنند و یا مقدار کمی از نیروی کار خود را می فروشند.

۴- دهقانان مرفه که علاوه بر کار خانوادگی عمده درآمدش ناشی از استئمار کار دیگران است.

۵- مالک اراضی غیر وابسته: که زمینهای نسبتاً وسیعی در اختیار دارند و استئمار نیروی کار دیگران تنها راه درآمد آنهاست. این عده اکثر اعلاوه بر کشاورزی به تجارت و مشاغل دیگر نیز می پردازند.

۶- بورژوا بزرگ‌تراتها و مالکین بزرگ اراضی وابسته به رژیم پیشین که اکثرا واحدهای بزرگ کشاورزی را در اختیار داشته اند. از این عده تعدادی فراری و اموال آنها مصادره شده است.

۷- تصرف اراضی ملاکین و مقامات رژیم شاه توسط دهقانان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در گریه‌های ارضی و دهقانی در دوران جمهوری اسلامی در دو دوره پیوسته و در عین حال کاملا متمایزی جریان یافت: دور اول: که مقارن بانخستین سال انقلاب بود، از یک سو شامل جنبشهای روستایی و مصادره اراضی و از سوی دیگر شامل واکنش دولت موقت، زمین داران و غالب علماد بر آنها بود. دور دوم: که واکنش و برآیندی در برابر در گریه‌های دور اول بود، با طرح مالکیت محدود و مشروع زمین و به صورت جنبش بند (ج) به جریان افتاد و در سه سال اخیر با فرازونشیبهای ادامه یافت. دور اول: دور اول در گریه‌های ارضی و دهقانی با جنبشهای روستایی و واکنش دولت، زمین داران و نیروهای عمده اجتماعی در برابر آن آغاز شد، حدود یک سال ادامه یافت.

جنبش های روستایی: نخستین مرحله برپایی مسئله ارضی و دهقانی، در ماههای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، با مصادره اراضی بزرگ آغاز شد و آنگاه بر حسب شرایط محلی نوع روابط مالکان و کارگران کشاورزی به برخی دیگر از بهره بردارها نیز سرایت کرد. مصادره اراضی بزرگ که سر آغاز طرح مسئله ارضی و دهقانی بود، از دو جانشات گرفت: یکی مصادره اراضی و وابستگان رژیم سابق بود که با پیروزی انقلاب اموال خود را رها کرده و گریخته بودند و دیگری مصلحانه برخی نیروهای چپ در چند منطقه و تبلیغات گسترده آنان در برخی مناطق دیگر. مصادره اراضی و وابستگان رژیم سابق غالباً از سوی حکومت اسلامی و به حکم دادگاههای انقلاب صورت گرفت و اراضی مصادره شده در اختیار بنیاد علوی سابق و بنیاد مستضعفین لاحق گذارده شد. اراضی وسیع و حاصلخیز ترکمن صحرا و دشت گرگان تا اوایل دهه بیست ساله به ندرت کشت و زرع می شد و فارغ از روابط ارباب - رعیتی بود و بخش عمده آن را املاک پهلوی به نام خود ثبت کرده بود. این اراضی به تدریج به بهره برداران بزرگ، که غالباً منشا شهری و اداری داشتند و گروهی از آنان وابسته به دربار بودند و اگذر شد. بدین گونه ترکمن صحرا و دشت گرگان گاهواره پرورش و تکوین کشاورزی تجاری در ایران شد [۱۰] به هر حال مصادره اراضی در گنبد و کردستان همراه با تبلیغات گسترده در برخی مناطق دیگر و تبلیغ در روزنامه ها به آتش نهفته نارضایتی های روستایی دامن زد و از آن مسئله بزرگی ساخت. اکنون که پیرو رهنمودهای امام خمینی (ره) رهبران انقلاب شورای انقلاب تصمیم به ریشه کن کردن فئودالیسم و دادن زمین به دهقانان گرفته است حزب توده ایران لازم می داند نظر شورای انقلاب را به نکات زیرین جلب کند:

۱- مسئله اصلاحات ارضی بنیادی و قاطع به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و بخاطر ریشه کن کردن بساط استثمار فئودالی ملاکین و دادن زمین به کسانی که روی آن کار می کنند. مسئله ای سرنوشت ساز و حیاتی برای انقلاب ایران است. ضربه ای است به امپریالیسم و ضد انقلاب، ضد ملت است به تحکیم انقلاب و استقرار عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی کشور.

۲- بزرگ مالکان: وضعی بحرانی در روستاهای کشور بوجود آورده اند که هر لحظه تاخیر در وضع آن موجب تشدید وخامت اوضاع و بهره گیری ضد انقلاب می شود [۱۱] در این شرایط زمینه برای تقویت دهقانان و خرده مالکان فراهم می شود. بر اساس یک بررسی از ۳۰۰ مورد اعتراضها و شورهای روستایی حدود ۷۰ درصد آنها بوسیله سازمانهای سیاسی برپا شد و ۳۰ درصد بقیه به طور خودانگیخته، به طور کلی اعتراضهای روستائیان، بر حسب اوضاع و احوال محل، متوجه یک یا چند مورد از موارد زیر بود:

۱) مصادره ارضی مالکان فراری .
 ۲) مصادره اراضی بهره بردارهای بزرگ یا حتی متوسط که به دلایل گوناگون میان مالکان و زارعان آنها اختلاف و خصومت وجود داشت.

۳) تصرف اراضی جنگلی و مراتع ملی شده

۴) انحلال شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید کشاورزی به وسیله سهامداران و بازپس گرفتن اراضی متعلق به خودشان .
 ۵) خوداری از بازپرداخت دیون دهقانان بابت اقساط اصلاحات ارضی و اقساط وام به شرکتهای تعاونی و بانکها و رباخواران.
 براساس یک بررسی از اشکال جنبشهای دهقانی، از ۲۸۵ مورد ۴۴ درصد به صورت اعتراضهای دسته جمعی مانند شکایت گروهی، امضای طومار و اجتماع در اطراف ادارات دولتی، ۲۱ درصد به صورت تظاهرات آرام، ۱۶ درصد به صورت تظاهرات خشونت آمیز و ۹ درصد به صورت بست نشینی در اماکن مذهبی و عمومی و ۱۰ درصد بقیه به صور گوناگون دیگر بوده است. براساس یافته های همین بررسی از ۳۰۰ مورد بررسی شده بیش از ۴/۵ اعتراضها بوسیله دهقانان کم زمین و کشاورزان بی زمین برپا شده است: دهقانی که کمتر از ۲ هکتار زمین داشته اند یک سوم موارد، دهقانانی که از ۲ تا کمتر از ۵ هکتار زمین داشته اند. یک چهارم موارد و کشاورزان بی زمین نیز یک چهارم موارد و دهقانانی که از ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار زمین داشته اند در ۳ درصد از موارد به برپایی اعتراضهای جمعی پرداخته اند. نخستین واکنش، در برابر شورشها و اعتراضهای دهقانی و مصادره اراضی، اقدامات متشکل دولت و زمینداران بزرگ و متوسط و دهقانان مرفه برای بازگرداندن نظم و امنیت و قانون به روستاها بود. در واقع جریان دوم در دوران نخست درگیریهای ارضی و دهقانی، واکنش سریع دولت و زمینداران در قبال جنبشهای روستایی بود. زمینداران بزرگ و متوسط و دهقانان مرفه، که هر روز شاهد واقعه تازه ای در روستاها بودند و تزلزل روز افزون مالکیت ارضی رامی دیدند، به زودی به خود آمدند و دست به اقدامات جمعی زدند. از سوی دیگر، نهادهای حکومتی و دولت موقت نیز که نهاد مالکیت را محترم می دانستند و از کاهش حجم تولیدات کشاورزی در وحشت بودند، به یاری کشاورزان زمین دار، به مقابله با شورشهای روستایی و مصادره خود سرانه اراضی کشاورزی برخاستند. فرضیه ی این پژوهش این است که پس از پیروزی انقلاب و بدنبال تصویب قوانین خاص و تقسیم و تصرف اراضی و رویکرد حاکمیت، خرده مالکین روستایی تقویت و به نیروی اجتماعی عمده در ترکیب جمعیتی روستا در ایران تبدیل شدند.

۵. پیشینه تاریخی

سابقه اصلاحات ارضی در ایران به اواخر قرن ۱۹ برمی گردد، از زمان انقلاب مشروطیت تا دوران پس از دکتر مصدق حرکتی جهت تغییر رابطه مالکان و رعایا صورت گرفته است که محصول آن تحول در نظم مالکیت در برخی از نواحی ایران بوده است. پیشینه اصلاحات ارضی رسمی در ایران به سفر "ویلیام داگلاس" قاضی دادگاه عالی امریکا به ایران در شهریور ماه ۱۳۲۹ بازمی گردد. وی در ملاقات با محمد رضا پهلوی یکی از شرایط کمک کشورش به ایران را اصلاحات ارضی دانست و در سخنرانی خود در دانشگاه تهران وضعیت کشاورزی را مهمترین مشکل ایران توجیه کرد.

با اجتناب ناپذیر شدن موضوع اجرای اصلاحات ارضی در ایران، لایحه ای با هدف تقسیم زمینهای بزرگ کشاورزی آماده شد و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹ با تعدیلاتی از تصویب دوره ۱۹ مجلس شورای ملی گذشت. اما شاه برای انجام اصلاحات ارضی با مشکلاتی مواجه بود؛ از یک سو فشار امریکا برای اجرای قانون اصلاحات ارضی و از طرف دیگر مخالفت مرجع تقلید شیعه آیت ا... بروجردی با ابعاد غیر شرعی اصلاحات، اجرای این قانون را تا زمان رحلت ایشان به تعویق انداخت.

بانخست وزیر علی امینی در سال ۱۳۴۰، لایحه اصلاحات ارضی که در دوران نخست وزیری منوچهر اقبال تهیه شده بود با اصلاحاتی در هیئت دولت امینی به تصویب رسید و حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی وقت بعنوان مجری اصلاحات ارضی انتخاب شد و امینی و ارسنجانی قاطعانه اجرای برنامه اصلاحات ارضی را پی گرفتند. امینی در جریان اصلاحات ارضی از جهت سخن پراکنی رکوردار بود و ارسنجانی وزیر کشاورزی هیچ فرصتی را برای حمله به مالکان از دست نمیداد. ارسنجانی در این راه چنان سرعت و جسارتی به خرج داد که نه تنها مالک بلکه نخست وزیر و مخالفان دولت را شگفت زده کرد و شاه را که می خواست هرگونه تحولی هر چند سطحی در ایران به نام او تمام شود را نگران ساخت. مرحله اول اصلاحات ارضی در دوره

صدارت علی امینی و مرحله دوم آن بعنوان یکی از اصول ششگانه "انقلاب سفید" مطرح و به اجرا گذارده شده و مرحله سوم اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۸ توسط دولت هویدا اجرا گردید [۱۲]

سالهای پس از جنگ دوم جهانی بویژه دهه ۱۳۳۰، عصر انقلاب خیزی بود که منافع استعمارگران را به مخاطره جدی افکنده بود. بنابراین طرح اصلاحات اقتصادی-اجتماعی و تقسیم زمین میان دهقانان به ابتکار امریکا آغاز گردید که نتایج موقتی درختی سازی جنبشهای سیاسی در پی داشت. پیروزی انقلاب کوبا طی یک مبارزه قهرآمیز با رژیم دیکتاتوری باتیستادر سال ۱۳۳۷ و شروع تغییرات گسترده پس از پیروزی در این کشور که بخش مهمی از آن را تقسیم زمین میان دهقانان تشکیل می دادند، این کشور را در منطقه امپریالیسم زده آمریکای لاتین بعنوان مرکز ثقل جنبشهای ضدامپریالیستی تبدیل نمود. از سوی دیگر پیروزی حرکت استقلال طلبانه در هند در سال ۱۳۲۶، به قدرت رسیدن افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر در مصر در اوایل دهه ۱۳۳۰، انجام اصلاحات ارضی و مبارزه با فئودالیسم از سوی ناصر در سال ۱۳۳۲ و ملی شدن کانال سوئز توسط وی و دیگر اقدامات ضد استعماری در این کشور، در حکم ضربه ای پرتوان به امپریالیسم تلقی می گردید. حرکت دیگری که تاثیر عمیق بر طرح اصلاحات ارضی در ایران برجای نهاد، پیروزی کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۳۳۷، در عراق بود که اصلاحات ارضی را در مدت کوتاه زمامداریش در پی داشت. از طرف دیگر در همین زمان، قاسم کشور عراق را از پیمان بغداد خارج ساخت.

پیروزی انقلاب الجزایر و اجرای اصلاحات ارضی پس از حصول پیروزی و نیز نهضت ملی شدن نفت در ایران نیز منافع امپریالیسم را به مخاطره افکند و در ارتقای آگاهی سیاسی مردم بس موثر افتاد. با وجود چنین حوادثی که همگی در فاصله سالهای ۱۳۳۹-۱۳۲۹ به وقوع پیوست، انجام پاره ای اصلاحات چاره ای بود که زمامداران امریکا اندیشیدند تا با توسل به آن بتوانند جلوی جنبشها و حرکات استقلال طلب آینده را گرفته و به بسط و نفوذ خود در کشورهای جهان سوم تداوم بخشند [۱۳]

هدف اصلی اصلاحات ارضی این بود که با تقسیم املاک بزرگ مالکان بین دهقانان و رواج تکنولوژی جدید، تسهیلاتی در امر تهیه فرآورده های کشاورزی فراهم شود [۱۴] با توجه به آراء و صاحب نظران مطالعات روستایی تاثیر اصلاحات ارضی بر ساختار اجتماعی روستاها و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن رومی توان این گونه عنوان کرد که اصلاحات ارضی تحولی بود که از بالا و تحت تاثیر عوامل بیرونی (اقتصاد جهانی) و برای ایجاد و تثبیت نظام سرمایه داری وابسته در ایران صورت گرفت. اصلاحات ارضی بوسیله توزیع زمین بین دهقانان در فرآیند تفکیک دهقانان نفوذ کرده و به اقتصاد دهقانی، به وسیله بوجود آمدن نظام تولید مستقل شکل داده است [۱۵]

رضا اصفهانی معاون امور زمین در آغاز تصدی خود در اوایل آذرماه در یک مصاحبه رادیو-تلویزیونی و مطبوعاتی اعلام کرد که بر اساس اصلاحات ارضی انقلابی، اراضی فئودالها و زمینداران بزرگ مصادره شده و میان کشاورزان بی زمین تقسیم خواهد شد (همان، ص ۳۱). شورای انقلاب اسلامی ایران در اجرای فرمان امام خمینی (ره) تصمیم گرفت بزرگ مالکی و بقایای نظام را از میان بردارد و زمینهای مالکان بزرگ را مصادره کند و آنها را به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کند. در هر صورت موضوع از میان بردن تسلط جابرانه مالکان بزرگ و خاندانها و واگذار کردن زمین به دهقانان، به حکم انقلاب کاری است که دولت انقلابی ایران اجرای آن را بر عهده گرفته است. سرنگونی رژیم سلطنتی، موجب از میان رفتن اتحاد میان طبقات شد، ولی نابه سامانی و آشفتگی دستگاه سرکوب دولتی زمینه لازم برای یک تغییر اجتماعی انقلابی ممکن را فراهم آورد. سالهای نخستین دوره بعد از انقلاب، آستن حوادث و مسائلی در حمایت از یک تغییر ساختاری بنیادی به زیان زمینداران و سرمایه داران بود. سلسله حوادث پیچیده ای که بدنبال سرنگونی رژیم شاه به وقوع پیوست به دو مرحله تقسیم می شوند: مرحله نخست، مرحله انقلاب اجتماعی بود، مرحله دوم، مرحله بازگشت یا مرحله عکس بود که از یک سو سرکوب و فرونشانی برنامه ریزی شده و نظام مند خواسته ها و مطالبات طبقه کارگر، دهقانان و اقلیتهای قومی را به همراه داشت و از سوی دیگر به تحکیم و تثبیت قدرت سیاسی و اقتصادی زمینداران و بازرگانان منتهی گردید.

۶. اقدامات قانونی و نتایج عملی اصلاحات ارضی اعمال شده جمهوری اسلامی ایران

اصلاحات ارضی را از دو زاویه می توان مورد بحث قرارداد: نخست ضوابط قانونی که در این خصوص وضع و اجرا گردیده اند و دیگری نتایج عملی حاصل آمده از ضوابط مورد تصویب. در مورد نخست مشاهده می شود متعاقب تحولات و حوادث پس از پیروزی انقلاب، ضرورت حل و فصل مسائل مربوط به مالکیت زمینهای اراضی مطابق با موازین شرعی همراه با مقتضیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، در چارچوب یک نظام قانونی رخ می نماید و با توجه به همین الزامات و ضرورتهاست که سلسله قوانین تهیه، تدوین و تصویب می گردند.

الف: قوانین مربوط به واگذاری و تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران

ب: قوانینی که قبل از تشکیل مجلس شورای اسلامی در شورای انقلاب به تصویب رسید:

۱) لایحه قانونی نحوه واگذاری اراضی در حکومت جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۹/۶/۲۵

۲) لایحه قانونی نحوه واگذاری و احیای اراضی موات ۱۳۵۸/۱۲/۸

۳) لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۱۱

۴) لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۲۸

۵) لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۶

قوانینی که در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیدند:

۱) طرح قانون کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی (طرح احیا و واگذاری اراضی مزروعی).

۲) قانون واگذاری زمینهای دایر و بایر که بعد از انقلاب به صورت کشت موقت در اختیار کشاورزان قرار گرفته است، مصوب ۱۳۶۵/۸/۸.

مجلس شورای اسلامی در میان این سلسله قوانین، دو قانون از اهمیت بیشتری برخوردارند، زیرا این دو قانون به اجراء درآمدند و با اجرای آن، اثرات اقتصادی، اجتماعی به جاماند و تاحدی نحوه توزیع اراضی و نظام های بهره برداری دگرگون شد. یکی قانون مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۶ شورای انقلاب که بخشهایی از آن یعنی بندهای ((ج)) و ((د)) آن فقط به صورت محدود به اجرا درآمد. دیگری قانون اراضی کشت موقت مصوب ۱۳۶۵/۸/۸ مجلس شورای اسلامی که طی اجرای آن ۸۰۰ هزار هکتار کشت موقت میان روستائینی که در آنها کار می کردند توزیع شد [۱۶] در زندگی اجتماعی، سیاسی و برای استحکام و ثبات روابط افراد و حفظ قدرت حکومت و آرایش عمومی ملت قانون و به خصوص قانون اساسی هر مصلحتی است، قانون اساسی در این سرزمین حافظ جمهوری اسلامی است [۱۷] در لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی مصوب (۱۳۵۸/۱۲/۲۸) اراضی به سه دسته تقسیم می شوند:

الف: اراضی منابع طبیعی که در اختیار دولت اسلامی است. این اراضی به عنوان ثروت عمومی در اختیار و کنترل دولت اسلامی است که بر اساس نیاز و توانایی افراد واجد شرایط بهره وری از این گونه اراضی و منابع را به آن ها واگذار می کند. در واگذاری این اراضی همیشه مصلحت جامعه باید مد نظر قرار گیرد.

ب: اراضی که زیر کشت بوده و توسط نهادهای دولت اسلامی قانون مصادره شده و در دست بنیاد مستضعفین می باشد. در مورد اراضی مصادره شده مانند "الف"، با توجه به مصلحت جامعه و نیاز و توانایی اشخاص اراضی به افراد واجد شرایط واگذار می شود و یا برای کارهای عام المنفعه اختصاص می یابد.

ج: اراضی بزرگ که در دست زمین داران بزرگ است و ظاهراً با ملاکهای رژیم قبلی مجوز قانونی هم دارد (زمین بزرگ سه برابر زمینی است که عرف محل برای زندگی یک کشاورز یا خانواده او لازم می‌داند. در مورد زمینهای مالکین بزرگ می‌توان گفت:

۱- زمینهای بایر که به علل مختلف توسط مالکین بزرگ بایرنگاه داشته شده است و با توجه به نیاز جامعه و مسئله خودکفایی مملکت و با توجه به این که این زمینها فقط به صرف این که مالکیت از آن آنهاست بدون کشت مانده و اجازه کشت به دهقانان و داوطلبان و اجد شرایط محل که فاقد زمین کافی برای زراعت هستند داده نمیشود. در واگذاری زمین به روستائیان بدون زمین، کم زمین، فارغ التحصیلان کشاورزی و افراد علاقمند به کار کشاورزی با توجه به اولویت بین آنها زمین داده می‌شود. در واگذاری زمین برای مدت معین (چندساله) با توجه به شرایط خاص منطقه است و در صورت عملکرد مطلوب و واگذاری زمین تمدید می‌شود و زمینهای واگذاری به صورت شرکت و تعاونی و مشاع می‌باشد به جز موارد استثنایی که در این صورت تصمیم مقتضی توسط گروه ۷ نفری اتخاذ خواهد شد. لایحه قانونی اصلاح قانون واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۵۹/۱/۲۶ شورای انقلاب تصویب شده و در روزنامه رسمی ۵۹/۲/۲۱ درج و منتشر شده است.

اراضی مورد نظر در این قانون چهار قسم اند:

الف- اراضی موات و مراتع.

ب- اراضی آباد شده توسط افراد یا شرکتها که دادگاه صالح اسلامی به استرداد آنها حکم داده است.

ج- اراضی بایر که قبلاً دایر بوده و بر حسب ملاکهای رژیم قبلی مالک اشخاص یا موسسات شمرده می‌شده است.

د- اراضی دائر.

اراضی بند الف و بند ب در اختیار حکومت اسلامی است و حکومت موظف است با رعایت مصالح جامعه و حدود نیاز و توانایی اشخاص بهره برداری از آنها را به افراد یا شرکتها واگذار کند یا در مواردی که مصلحت جامعه ایجاب کند به کارهای عام المنفعه اختصاص دهد. در موارد اراضی بند "ج" دولت با رعایت ضوابطی که در مورد بند "د" خواهد آمد نخست به صاحبان آنها اولویت می‌دهد تا به عمران آن بپردازند و اگر اقدام نکردند آنها را در اختیار خود می‌گیرد تا کشت و بهره برداری از آنها را به افراد و اجد شرایط واگذار کند. هرگاه مالک در این گونه اراضی تاسیساتی احداث کرده باشد در باره آنها به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- تاسیسات کشاورزی: در مورد این تاسیسات، اگر مالک عملاً از آنها استفاده کند قسمت استفاده او با رعایت حدودی که در مورد اراضی بند "د" خواهد آمد در اختیار او می‌ماند و بقیه در اختیار زارعین دیگر گذارده خواهد شد و به هر حال بهای آنچه در اختیار دیگران گذارده شود پس از کسربدهیهای مالک به بیت المال اعم از حقوق شرعی و مطالب و نظایر آنها به او پرداخت می‌گردد، تاسیسات دیگر که مستقیماً به امور کشاورزی مربوط نمیشود، از قبیل خانه شخصی کارگاههای فنی غیر کشاورزی، دامداری و نظایر اینها، اینگونه تاسیسات با آن مقدار زمین که در عرف محل مورد نیاز آنهاست در دست مالک باقی می‌ماند. در مورد اراضی بند "د"، اگر مالک شخصاً به امر کشاورزی در آنها اشتغال دارد، تاسه برابر مقداری که در عرف محل برای تامین زندگی کشاورز و خانواده او لازم است برای تامین زندگی خود و خانواده اش ندارد، فقط تادو برابر مقدار مورد نیاز او می‌ماند و در بقیه در جاهایی که کشاورزانی وجود دارند که فاقد زمین زراعتی هستند و جز از راه گرفتن مازاد بر حد مذکور راه این گونه زارعین و اگذار کنند و اگر به میل خود به این وظیفه عمل نمایند به مقتضای ولایت به حکم حاکم از آنها گرفته و در اختیار کشاورزان نیازمند گذارده می‌شود و دولت بهای نسق این زمینها را پس از کسربدهیهای مالک به بیت المال به اومی پردازد. در صورتی که در محل یا نزدیک آن زمینهای بند "الف" و "ب" و "ج" وجود داشته باشد اول آن زمینها به کشاورزان داده می‌شود و اگر کافی نبود نوبت به بند "د" می‌رسد.

اکنون که پیرو رهنمودهای امام خمینی (ره) رهبرانقلاب شورای انقلاب تصمیم به ریشه کن کردن فئودالیسم و دادن زمین به دهقانان گرفته است حزب توده ایران لازم می داند نظر شورای انقلاب را به نکات زیرین جلب کند:

۱- مسئله اصلاحات ارضی بنیادی و قاطع به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و بخاطر ریشه کن کردن بساط استثمار فئودالی ملاکین و دادن زمین به کسانی که روی آن کار می کنند. مسئله ای سرنوشت ساز و حیاتی برای انقلاب ایران است. ضربه ای است به امپریالیسم و ضدانقلاب، ضدملتی است به تحکیم انقلاب و استقرار عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی کشور.

۲- بزرگ مالکان: وضعی بحرانی در روستاهای کشور بوجود آورده اند که هر لحظه تاخیر در وضع آن موجب تشدید وخامت اوضاع و بهره گیری ضدانقلاب می شود. در این شرایط زمینه برای تقویت دهقانان و خرده مالکان فراهم می شود.

۷. لایحه اصلاحات ارضی در ایران پس از پیروزی انقلاب و عدم موافقت با تصویب این لایحه

در اواخر سال ۱۳۵۸ شور شاه و هیجان هابه میزان زیادی فرونشست و عملاً صحنه درگیری بر مسئله ارضی و دهقانی از روستابه شهر انتقال یافت و به صورت نبرد تبلیغاتی میان نیروهای درگیر درآمد. در این گیرودار نیروهای گوناگون چپ مسئله ارضی و دهقانی را به مثابه حربه ای برای انتقاد از جمهوری نوپای اسلامی به کار گرفتند و در این کار افراط کردند. مبارزه پیگیر میان هواداران مصادره ارضی و زمین داران سرانجام به طرح راه حل معتدلی، که برآیند دو نظر متضاد بود انجامید: یعنی مالکیت محدود و مشروع زمین. در واقع چنین استدلال می شد که اگر مصادره ارضی و الغای مالکیت خصوصی زمین راه حل شرقی و حفظ و حمایت از مالکیت نامحدود راه حل غربی است، نظریه مالکیت محدود و مشروع زمین نظریه ای اسلامی است که جامع فواید هر دو نظر و مانع معایب و مضار هر دو می باشد. نظریه اسلامی مالکیت محدود و مشروع زمین از اواخر سال ۱۳۵۸ عنوان شد و پس از فرازونشیبهای در فروردین ۱۳۵۹ در اصلاحیه قانون نحوه واگذاری و احیاء ارضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران رسماً تدوین و اعلام گردید. از آن زمان تاکنون، مالکیت محدود و مشروع زمین که در افواذ بعنوان (بندج) شهرت دارد محور مسئله ارضی و دهقانی در ایران است (۱۸) رضا صفهانی معاون امور زمین در آغاز تصدی خود در اوایل آذرماه در یک مصاحبه رادیو- تلویزیونی و مطبوعاتی اعلام کرد که بر اساس اصلاحات ارضی انقلابی ارضی فئودالها و زمین داران بزرگ مصادره شده و میان کشاورزان بی زمین تقسیم خواهد شد. وی تاکید کرد که این کار از گنبد و کردستان آغاز خواهد شد مناطقی که محور عملیات نیروهای چپ در زمینه درگیریهای ارضی و دهقانی بود. با این مقدمات لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای زمین (مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵) شورای انقلاب زیر نظر آیات ثلاثه (حضرات آیات منتظری، بهشتی و مشکینی) تهیه و با تعدیلهایی (مانند اولویت ارضی موات و مصادره شده و پرداخت بهای ارضی به مالکان در ۱۳۵۸/۱۲/۱۱) به تصویب شورای انقلاب رسید. در این قانون ارضی به سه نوع تقسیم شده بود: بندالف، ارضی منابع طبیعی؛ بندب، ارضی زمین داران بزرگ که به حکم دادگاه اسلامی حکم به استرداد آنها صادر می شوند؛ و بندج، ارضی که در دست زمین داران بزرگ است و با ملاکهای رژیم قبلی مجوز قانونی هم دارند. زمین بزرگ زمینی است که بیش از سه برابر مقداری باشد که عرف محل برای تامین زندگی یک کشاورز با خانواده او لازم می داند و کشاورزان دیگری در محل باشند که فاقد زمین برای زراعت هستند و جزا راه گرفتن مقدار زائد زمین این گونه افراد نتوان آنها را صاحب زمین زراعی کرد. نظریه این که محور اصلی لایحه اصلاحی و تمایز اساسی آن از قانون اولی مفاد بند (ج) لایحه پیشنهادی وزارت کشاورزی بود از آن زمان مسئله محدود کردن مالکیت ارضی در ایران بماند (ج) مترادف گردید این قانون بلافاصله پس از تصویب با انتقادهایی از نظر انطباق با موازین شرعی روبه روشد و پیش از ابلاغ به دولت یک بار دیگر مورد تجدید نظر و تعدیل قرار گرفت و سرانجام در ۱۳۵۹/۱/۲۶ به تصویب شورای انقلاب رسید.

ماده اول: ارضی مورد نظر قانون را چهار قسم می داند:

بندالف، اراضی موات و مراتع.

بندب، اراضی آباد شده توسط افراد یا شرکتها که دادگاه صالح اسلامی به استرداد آنها حکم داده است
بندج، اراضی بایر که قبلاً دایر بوده و برحسب ملاکهای رژیم قبلی مالک اشخاص یا موسسات شمرده می شده است
بندد، اراضی بایر.

جریان اصلی مبارزه بابت (ج) از سوی مالکان مشمول برپاشد، نخستین واکنش چندروز بعد از مصاحبه رضا اصفهانی در اوایل آذرماه ۱۳۵۸ از سوی هیئت مدیره شورای کشاورزی تهران به عمل آمد. این هیئت در نامه سرگشاده ای به امام امت معاون جدید امور زمین رافردی بی اطلاع از کشاورزی و فقه اسلامی و اظهارات وی را نابجا، ضدانقلابی و موجب هرج و مرج و آشوب و برادر کشی در روستا و سبب سقوط تولیدات کشاورزی دانسته و تقاضای برکناری وی را از معاونت امور زمین نمود. سایر شوراهای کشاورزی بیکار نشستند و به واکنش فوری پرداختند. چنان که اواخر آذرماه و اوایل دی ماه رابه یکی از جنجال ترین هفته های درگیری ارضی و دهقانی ایران تبدیل کردند. خرده مالکان که در شوراهای کشاورزی عضویت دارند. در سراسر کشور دست به یک مبارزه گسترده بر علیه (رضا اصفهانی) زدند و خواستار برکناری وی و تکذیب گفته های ایشان از طرف سرپرست وزارت کشاورزی شدند تا آنجا که به عنوان دادخواهی و استمداد به حضور رهبرانقلاب اسلامی شرفیاب شدند و مشکلات خویش را مطرح کردند. در بین شوراهای کشاورزی ایران شورای کشاورزی تهران و شورای کشاورزی استان فارس بیش از سایرین در تلاش بودند و نمایندگان آنان که در حدود ۵۰ نفر هستند ملاقاتهای سودمندی با مقامات مختلف در تهران و قم داشتند. بلافاصله پس از اعلام بند (ج) صدها حادثه ناگوار در روستاها واقع شد و درگیریهای خشونت آمیز میان زمینداران و کارگران کشاورزی رخ داد.

۸. طرفداران بند (ج)

اولین قانون مربوط به اصلاحات ارضی در بعد از انقلاب (قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی) در شهریورماه سال ۱۳۵۸ از تصویب شورای انقلاب گذشت. این قانون اگرچه به شکل مصوبه در آن زمان به اجراء نیاورد، ولیکن بعداً در طی چهار مرحله اصلاح و اجرا گردید. چهارمین اصلاحیه این قانون در تاریخ ۵۱/۱/۲۶ تحت عنوان ((لایحه قانونی اصلاح قانون واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران)) به تصویب رسید و پس از آن در جلسه ۵۹/۲/۲۱ آئین نامه اجرایی آن مورد تصویب نهایی شورای انقلاب قرار گرفت و از همان تاریخ اجرای این قانون آغاز شد. این قانون در واقع نتیجه بررسی طرح رضا اصفهانی، توسط نمایندگان حضرت امام (ره) بود که مورد تأیید آنان قرار گرفت و سپس در شورای انقلاب به تصویب رسید. اصل و اساس این قانون مبتنی بر همان نظریه مالکیت محدود بود که اعتقاد به محدودیت اراضی مالکین داشت و در بندهای (ج) و (د) این قانون منعکس شده بود. طبق ماده یک این قانون، اراضی مورد نظر به چهار قسم تقسیم شده بودند که اراضی بند (ج) عبارت بود از اراضی دایر که قبلاً دایر بوده و برحسب ملاکهای رژیم قبلی ملک اشخاص یا موسسات شمرده شده است. و بند (د) این قانون شامل ((اراضی دایر)) میشد. در مورد واگذاری این اراضی در ماده ۲ این قانون آمده بود: در مورد اراضی بند (ج) دولت با رعایت ضوابطی که در مورد اراضی بند (ج) خواهد آمد نسبت به صاحبان آنها اولویت دارد تا به عمران آن بپردازند و اگر اقدام نکردند آنها را در اختیار خود می گیرند تا کشت و بهره برداری در آنها را به افراد واجد شرایط واگذار نماید [۱۹]. در ماده چهار قانون، در مورد اراضی بند (د) تصریح شده بود: اگر مالک شخصی به امر کشاورزی اشتغال دارد تا سه برابر تعدادی که عرف محل برای تامین زندگی کشاورز و خانواده او لازم است در اختیار اومی ماند و اگر شخصاً به کشاورزی در آنها اشتغال ندارد و منبع درآمد کافی دیگری برای تامین زندگی خود و خانواده اش ندارد، فقط تا دو برابر تعداد مزبور در اختیار اومی ماند و در مورد بقیه در جاهایی که کشاورزانی وجود دارند که فاقد زمین زراعی هستند و جزا راه گرفتن مازاد زمین این گونه مالکان نمیتوان آنها را صاحب زمین زراعی کرد، و وظیفه این است که مازاد بر حد مذکور رابه این گونه

زارعین واگذار کنند و اگر به میل خود به این وظیفه عمل نمایند به مقتضای ولایت به حکم حاکم از آنان گرفته و در اختیار کشاورزان نیازمند گذارده شود، و دولت بهای نسق این زمینها را پس از کسر بدهیهای مالک به بیت المال، به او بپردازد. باتصویب این لایحه در شورای انقلاب، عملاً مسئله محدود کردن مالکیت ارضی در اذهان باند (ج) مترادف گردید. پس از تصویب این لایحه تبلیغات گسترده ای تحت عنوان (ج) راه افتاد که حمایت‌های بسیاری از آن در سراسر کشور به عمل آمد. در واقع این مسئله این دگرگونی و تحول اساسی در جهت گیری جمهوری اسلامی در ارتباط با مسائل ارضی و کشاورزی ایجاد نمود که با تحولات سیاسی و اجتماعی زمان تصویب آن لایحه ارتباط مستقیم داشت [۲۰]. مخالفان بند (ج) در کنار حمایت‌های گسترده از بند (ج) در سراسر کشور، متقابلاً مخالفت‌های گسترده ای هم بوجود آوردند. مخالفان این بند، با طرح این مطلب که اجرای بند (ج) موجب آشوب در بسیاری از مناطق روستایی شده و کاهش تولیدات کشاورزی را به همراه داشته است و این استدلال که چون مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است، باید مجلس به عنوان وضع قانونگذاری و نماینده مردم این بند را مورد تصویب قرار دهد تا قدرت قانونی و اجرایی پیدا کند، و همچنین با عنوان دشواریهای فصل کشت، فشارهای خود را بر مقامات افزودند. این امر کار را به کسب تکلیف از امام خمینی (ره) برای اجرای یا توقف طرح کشاند. امام نیز تصمیم گیری را به نمایندگان خود واگذار کردند و آنان به ادامه اجرای بند (ج) نظر دادند. (کیهان ۱۴/۵۹). با وجود نمایندگان حضرت امام (ره) مبتنی بر ادامه اجرای بند (ج)، به خاطر شرایط ویژه کشور و به خصوص آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) طی فرمانی در تاریخ ۱۱/۶/۱۳۵۹ دستور توقف بند (ج) و (د) یعنی واگذاری اراضی دایر و بایر را صادر نمودند تا مجلس به آن رسیدگی نماید. با توقف بند (ج) و (د) قانون ۵۹/۱/۲۶ مصوب شورای انقلاب، وظایف هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین، تنه‌ها محدود به اجرای بندهای الف و ب، یعنی اراضی موات و مصادره ای شد که البته اجرای همین دو بند نیز با مشکلات زیادی همراه بود [۲۱]. اجرای مجدد بندهای (ج) و (د) قانون، پس از توقف منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی شد. مجلس نیز کلیات طرح قانونی احیای و واگذاری اراضی مزروعی را در اسفند ۱۳۶۰ از تصویب گذرانید ولی این قانون که در آذرماه ۱۳۶۱ از تصویب نهایی مجلس گذشت، مورد تایید شورای نگهبان قرار نگرفت، و چون مفاد بندهای (ج) و (د) با روح اسلام مغایر تشخیص داده شد، امیدی هم نمی رفت که قانون پس از اصلاح مجدد در مجلس در شورای نگهبان تصویب گردد [۲۲]. اگرچه برنامه اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی تداوم چندانی نیافت. اما اثرات اجتماعی آن در مناطق روستایی قابل توجه بود. فروپاشی نظام سلطنتی منجر به حس بر خورداری از قدرت در مناطق روستایی شد، و مشارکت مردمی در جنگ هشت ساله میان ایران و عراق این اعتماد بنفس را حتی بیشتر تقویت کرد [۲۳]. انقلاب ۱۳۵۶-۱۳۵۷ به چند دگرگونی اجتماعی و سیاسی بارز و مهم در مناطق روستایی ایران می انجامید، از آن جمله قیام‌های دهقانی در چند منطقه، اختلال در نظم و قانون، مصادره اراضی بزرگ، سقوط طبقه زمین دار بزرگ، گسترش برخی انواع سرمایه داری دولتی در کشاورزی، بقای کشاورزان تجاری متوسط و بسیاری از کشاورزان تجاری بزرگ و رشد بیشتر دهقانان میانه حال و فرودست. در این موقعیت بحرانی، نیروهای عمده اجتماعی-سیاسی معارض که هر یک در مناطق روستایی ایران منافع داشتند، در آغاز پیروزی انقلاب به مساله ارضی بعنوان موضوع اصلی (منازعات) اجتماعی و سیاسی پرداختند.

۹. مبارزه بر سر بند (ج)

بند (ج) قانون اصلی بیش از یک دهه کشمکش و درگیری در روستاهای ایران بود، که از زمان اعلام آن در پائیز ۱۳۵۸ تا تعلیق آن در پائیز ۱۳۵۹، تأیید مجدد قانونی شدن آن توسط مجلس شورای اسلامی در پائیز ۱۳۶۰، رد شدن آن توسط شورای نگهبان در بهار ۱۳۶۱، مصالحه درباره مواد اصلی آن در اواسط دهه ۱۳۶۰ و سرانجام اضمحلال آن در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، طول کشید. به

این ترتیب، نیروهای عمده اجتماعی-سیاسی به دو اردوگاه متخاصم تقسیم شدند؛ هواداران و مخالفان بند (ج) هواداران اصلی آن شامل اعضای رادیکال نخبگان هستند.

۱.۰ تغییرات در قشر بندی اجتماعی در جامعه روستایی

۱.۱.۰ مالکان بزرگ

اگرچه اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ از لحاظ سیاسی نوک پیکان حمله خود را متوجه عمده مالکان نمود و موجبات الغای رژیم ارباب ورعیتی را تا حدی فراهم ساخت، اما با توجه به ملاحظاتی که ذکرش رفت در آستانه انقلاب هم (عمده مالکان) در جامعه روستایی، قشر عمده و با توانایی‌های گسترده‌ای را تشکیل می‌دادند و در راس هرم قشر بندی اجتماعی روستاها قرار داشتند. مطابق آمارهای موجود معلوم می‌شود که در سال ۱۳۵۳ جمعیت عمده مالکان به ۲۵۸۸۲ خانوار و اراضی مورد تصرفشان به ۳/۵ میلیون هکتار می‌رسید، یعنی چیزی بالغ بر ۲۱/۵ درصد از مساحت اراضی مزروعی کشور در دست آنان بوده است [۲۴] در ابتدای پیروزی انقلاب، اراضی این گروه از مالکان عمده به خطر افتاد. به طوری که اگر قانون واگذاری و احیای اراضی به طور کامل اجرایی شد، شاید این گروه زمین دار از هرم قشر بندی اجتماعی روستایی ایران به کلی حذف می‌شدند؛ اما همان طوری که دیدیم، شروع جنگ تحمیلی و مشکلات داخلی دیگر، انجام این مهم را عملاً میسر ساخت. با این حال، در نتیجه تلاش‌های به عمل آمده از سوی هیئت ۷ نفره، بیش از یک سوم از اراضی مالکان بزرگ تحت پوشش قوانین اصلاحات ارضی قرار گرفت و به نحو موثری وضعیت این گروه را تحت تاثیر قرارداد، نکته مهم دیگری که قابل توجه می‌نماید، این است که اراضی تحت کنترل دولت رانیز باید در کنار اصلاحات فوق مدنظر داشت که تاثیر بسزایی بر روی قشر بندی اجتماعی روستا داشته است.

۲.۱.۰ دهقانان

بخش دیگری از نظام قشر بندی اجتماعی روستایی ایران را گروه‌های دهقانان تشکیل می‌دهند که این قشر خود به چند گروه قابل تقسیم هستند: دهقانان فقیر، متوسط و ثروتمند. دهقانان فقیر کسانی هستند که تا دو هکتار زمین در اختیار دارند و درآمد حاصل از این مقدار زمین برای تامین معاش خانواده شان عملاً کافی نمی‌باشد. بنابراین مشاهده می‌شود که گروهی از آنان مجبور به انجام کارهایی غیر از کشاورزی می‌شوند، و یا پس از فروش اراضی خود، راهی شهرها و کار در آن جا آغاز می‌شوند. بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۶۷، جمعیت بالغ بر ۹۷۹ هزار خانوار (۳۹/۶ درصد از کل بهره برداران) در این گروه جای داشته‌اند. بر همین اساس، اراضی تحت اختیار دهقانان فقیر به ۳/۸ درصد از کل اراضی مزروعی کشور می‌رسیده است. توضیح آنکه مطابق آمارهای موجود از سال ۱۳۵۳ دهقانان فقیر ۴۲/۵ درصد از کل بهره برداران را تشکیل می‌داده‌اند که این به معنای وجود کاهش چشمگیر در تعداد خانوارهای این گروه می‌باشد. با این حال، هنوز این گروه جمعیت قابل توجهی از روستائیان را تشکیل می‌دهند، به طوری که رقمی حدود یک میلیون خانوار را شامل می‌شوند. بخش میانی هرم سلسله مراتب روستایی ایران را دهقانان متوسط تشکیل می‌دهند. اینها زمینی از ۲ تا ۱۰ هکتار در اختیار داشتند. در سال ۱۳۵۳ جمعیت این گروه بالغ بر ۱ میلیون خانوار بوده است. اراضی تحت اختیار آنها ۴/۵ درصد میلیون هکتار یعنی ۲۸/۵ درصد از کل اراضی مزروعی را شامل می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پی اقدامات انجام یافته، به تعداد این گروه از دهقانان افزوده شده است؛ به طوری که جمعیت آنها به ۱/۵ میلیون خانوار و اراضی آنها به ۳۰/۶ درصد از کل اراضی کشور بالغ گردیده است. این گروه از دهقانان به علت داشتن قطعه زمینی نسبتاً مناسب و در اختیار داشتن نیروی کار کافی، معمولاً از ثبات بیشتری در میان اقشار روستایی برخوردارند، با تشکیل دادن خانواده، پسران عضو خانواده ی دهقانان متوسط معمولاً با فشار روبرو می‌شوند، که در بسیاری موارد بهره برداری از زمین فشرده تر می‌شود و یا در صورت توان مالی، زمینهای دیگری اجاره یا خریداری می‌گردد و در صورت عدم موفقیت، بعضی از اعضای خانواده به مشاغل غیر زراعی روی می‌آورند و بسیار مشاهده می‌گردد که نیروهای جوان از روستا مهاجرت می‌

کنند [۲۵] گروه دهقانان ثروتمند، بخش فوقانی این قشر از جامعه روستایی را تشکیل می دهند. اینها ۱۰ تا ۵۰ هکتار زمین در اختیار دارند و معمولاً اقدام به استخدام کارگر کشاورزی می نمایند. بعد از انقلاب بر تعداد این گروه نیز افزوده شده است. آنها ۲۰/۹ درصد کل بهره برداران را با ۴۶/۵ درصد کل اراضی مزروعی تشکیل می دهند. در مقایسه با سال ۱۳۵۳ میانگین ارضی بهره برداران این گروه، از ۱۷/۵۲ هکتار به ۱۰/۸ هکتار کاهش یافته است.

۳.۱۰. خوش نشینان

در پایین ترین مراتب اجتماعی روستایی ایران، خوش نشینان قرار دارند. این قشر از جامعه روستایی ایران فاقد زمین زراعی هستند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵ جمعیت روستایی کشور حدود ۳/۵ میلیون خانوار بر آورده شده بود، که از این میان یک میلیون خوش نشین بوده اند. اگرچه در نتیجه اصلاحات ارضی پس از انقلاب اسلامی مقداری از این خوش نشینان صاحب زمین شده اند، لیکن به خاطر عمق فاجعه و ظلم بسیاری که در دوران ستم شاهی در حق آنان می شده است، تارفع کامل این مشکل راه درازی در پیش است. توضیح آنکه، بر اساس آمارهای موجود از عملکرد هیئت های واگذاری زمین ۲۲۰۰۰۰ خانوار موفق به دریافت زمین شده اند که عموماً هم از خوش نشینان بوده اند، این رقم اگرچه قابل توجه می نماید، لیکن در قیاس با حجم عظیم نیازمندان، بسیار خرد است [۲۶].

۴.۱۰. گسترش نظام خرده مالکی در روستاهای ایران

مردم ساکن روستاها را با هدف تعیین نظام قشر بندی اجتماعی، می توان به دو گروه اصلی کشاورزان و غیر کشاورزان طبقه بندی کرد. روستائیان شامل در بخش کشاورزی را از لحاظ مالکیت زمین می توان به دو گروه کشاورز صاحب نسق زراعی (دهقان) و کشاورزی زمین (زارع سهم برواجاره کار) طبقه بندی کردند. از حدود سه دهه پیش در ادبیات جامعه شناسی روستایی، دهقانان را به سه گروه تهیدست، میانی، غنی تقسیم بندی می کردند. این تقسیم بندی، کم و بیش معادل نظام قشر بندی اجتماعی دهقانان شناخته شده است. کشاورزان بی زمین نیز در آثار موجود بیشتر به سه گروه اجاره کاران، زارعان سهم بروکارگران کشاورزی تقسیم بندی شده اند. کارگران کشاورزی که بخشی از گروه بزرگتر موسوم به کارگران ساده روستابه شماری آیند. بر حسب شغل و حرفه به تراکتورداران، دشتبانان، دروگر، برزگر، خوشه چین، صیفی کار، باغبان (غارس) و کارگر زراعی تقسیم می شوند. بر پایه نتایج بدست آمده از آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۷۰، از مجموع ۲۵۹۵ هزار واحد بهره برداری زراعی معادل ۳۳/۴ درصد تا ۲ هکتار، ۴۵ درصد از ۲ تا ۱۰ هکتار و ۲۱/۶ درصد بیشتر از ۱۰ هکتار وسعت داشته است. بدین ترتیب در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۳۳/۴ درصد دهقانان به قشر پایینی جامعه دهقانی، ۴۵ درصد به قشر میانی و ۲۱/۶ درصد به قشر بالایی جامعه دهقانی کشور تعلق داشته اند (جدول ۱).

۵.۱۰. قشرهای دهقانی در مناطق روستایی کشور

(۱) کشاورزان خرده پا:

بر اساس نتایج حاصل از سرشماری سال ۱۳۷۰ از مجموع ۲۵۹۵ هزار واحد بهره برداری زراعی، بالغ بر ۸۶۹ هزار واحد معادل ۳۳/۴ درصد تادو هکتار وسعت داشته است. این گروه از بهره برداران را می توان در شمار دهقانان خرده پادانست و به همین سبب آنان را از جمله قشرهای آسیب پذیر روستایی تلقی کرد.

(۲) کشاورزان نیمه مرفه:

بر پایه سر شماری کشاورزی سال ۱۳۷۰ از مجموع واحدهای بهره برداری زراعی کشور در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۱۱۶۶ هزار واحد معادل ۴۵ درصد از ۲ تا ۱۰ هکتار وسعت داشته است و از این تعداد ۲۶ درصد واحدهای بهره برداری از ۲ تا ۵ هکتار ۱۹ درصد از ۵ تا ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشته است.

۳) کشاورزان مرفه:

بنابر نتایج سرشماری ۱۳۷۰ از مجموع واحدهای بهره برداری زراعی کشور بالغ بر ۵۶۰ هزار واحد معادل ۲۱/۶ درصد از ۱۰ تا ۱۰۰ هکتار بیشتر وسعت داشته است. بهره برداران کشاورزی واحدهای بیشتر از ۱۰ هکتار در قشر بالای جامعه دهقانی قرار دارند.

۴) قشرهای دهقانی و تشکلهای کشاورزی:

بخشی از قشرهای اجتماعی روستایی در تشکلهای کشاورزی عضویت دارند. از این رو ایجاد ارتباط بین ضرورت بیمه اجتماعی یا هر سازمان مسئول بیمه اجتماعی روستائیان، این نوع تشکلهای را ضروری می نماید. برپایه آخرین آمارها تا سال ۷۸ تعداد ۶۹۸ تعاونی تولید کشاورزی با زیر پوشش قرار دادن ۶۵ هزار و ۵۲۱ خانوار روستایی ساکن در ۲ هزار و ۶۶۷ روستا و با در اختیار داشتن بیش از ۱/۹ میلیون هکتار از زمینهای کشاورزی در مناطق روستایی تشکیل شده بود. همچنین تعداد ۷ هزار و ۳۵ تعاونی کشاورزی با یکصد هزار و ۲۴۸ عضو و ۱۳۰ هزار و ۲۳۷ نفر شاغل تا سال ۷۸ به وسیله وزارت تعاون و تا اوایل سال ۸۰ تعداد یک هزار و ۸۲۶ تعاونی کشاورزی با ۹۵۲ هزار و ۳۱۷ عضو در زمینه های مختلف فعالیت داشته اند.

۵) بخش مهمی از کل جمعیت خوش نشینان ساکن روستا را غیر کشاورزان تشکیل می دهند در جامعه شناسی روستایی این گروه مشتمل بر کسانی است که فاقد نسق زراعی باشند. غیر کشاورزان از دو گروه اصلی (سوداگران روستا) مرکب از سلف خران پيله و ران، مغازه داران و نزول خواران و کارگران روستا شامل قالی بافان و دیگر بافندگان، کارگران کارخانه ها و کارگران ساختمانی تشکیل شده اند، دامداران بی زمین و آب زراعی و کارمندان دولت ساکن روستاها را نیز باید جزو غیر کشاورزان (خوش نشینان) به شمار آورد. برپایه نتایج آمارگیری زراعت در سال ۷۰ از کل ۴ میلیون و ۲۵۶ هزار و ۱۴۳ خانوار روستایی کشور بالغ بر ۲ میلیون و ۶۳۰ هزار خانوار معادل ۶۲/۷ درصد دارای نسق زراعی و یک میلیون و ۶۳۶ هزار و ۱۴۳ خانوار معادل ۳۷/۳ درصد بی زمین زراعی بوده اند.

۶) کارگران کشاورز:

برپایه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۷۵، بالغ بر ۸۰/۹ درصد از شاغلان ده ساله و بیشتر در نقاط روستایی فرد و حقوق بگیر بخش خصوصی و ۱۵/۸ درصد خرده حقوق بگیر بخش عمومی بوده اند. (از کیا، شیرزاد، ۱۳۸۲). بعد از سقوط دولت لیبرال "بازرگان" شورای انقلاب اسلامی ایران در برابر خواست دهقانان اعلام کرد که می خواهد زمینها و املاک بزرگ را مصادره کند، آنها را به دهقانان واگذار کند و ریشه بزرگ مالکی را از ایران براندازد. استاد رضا صفهانی هم طرحی در این زمینه داد، مالکان بزرگ و دارو دسته سرمایه داران و غارتگران که وضع را چنین دیدند به مخالفت برخاستند که وای اسلام از دست رفت، وای استقلال از بین رفت، و از این گونه مهملات سرداندند و دهقانان که وضع را چنین دیدند در یک روز زمستانی ۴ دی ماه ۵۸ دهها هزار نفر بایبل و داس و تراکتور از دهات آمدند، جلوی جاسوسخانه آمریکا جمع شدند، از آنجا به وزارت کشاورزی رفتند، نمایندگان قطعنامه دهقانان را آنجا خواندند در این قطعنامه، ضمن پشتیبانی از رهبری امام خمینی (ره) دهقانان از دولت خواستند که هر چه زودتر ریشه بزرگ مالکی را از روستاهای ایران براندازد و به دهقانان بی زمین و کم زمین، زمین و آب و وسایل کشت و کار بدهد. (جرقه نو ۱۳۵۹: ۵). با وجود اردو کشی مالکان و سرمایه داران بزرگ و مخالفت آنها با هر گونه اصلاحات ارضی، سرانجام گفته شد که قانون اصلاحات ارضی در ۲۶ فروردین ماه امسال به تصویب شورای انقلاب رسیده است و باید اجرا شود. با وجود آنکه این قانون چنانکه باید تهیه نشده است، یا این همه به سود دهقانان است و یکی از دستاوردهای بزرگی است که دهقانان ایران از این انقلاب بدست آورده اند. تردیدی نیست که دهقانان ایران برای اجرا شدن این قانون با مسئولان او همکاری خواهند کرد و در راه اجرای آن از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد. (همان، ۵). در یک سطح پایه ای رابطه بورژوازی ایران و حکومت جمهوری اسلامی، به منزله "دولت سرمایه"، به همان وضعیتی بازگشت که در مقطع انقلاب بهمین میان بورژوازی و دولت شاه برقرار بود، اما با چند تفاوت مهم، وضعیت سیاسی و اقتصادی چه در سطح کشوری و چه در سطح بین المللی تغییرات مهمی کرده است و علاوه بر این نه این بورژوازی همان بورژوازی زمان شاه است و نه حکومت اسلامی همان دولت

پهلوی. رهبری کاریزما، پوپولیسیم، بنیادگرایی، اقتدارگرایی، پدرسالاری و ولایت مداری در هیئت دینی با ادغام ایدئولوژیک دین و دولت در چارچوب یک نظام سیاسی نئوکراتیک جریان یافت. طبقه سیاسی جدیدی شکل گرفت که هسته اصلی آن به قول دکتر بشیریه، روحانیون، روحانی زادگان و بازاریان بودند و لایه بیرونی آن متشکل از نسل اول تحصیل کرده طبقات پایین روستایی و شهری بود. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۸۱). بعد از شکاف اولیه در مجلس اول بین نیروهای سنتی (۱۳۰ کرسی) و نیروهای مدرن (۵۰ کرسی)، شکاف دوم در درون گروههای اسلام گرا و طبقات سنتی رخ داد و سه گرایش اصلی در درون بلوک قدرت در دهه ۱۳۶۰ به وجود آمد:

گرایش اول: اشرافی-بازاری-سنتی در قالب روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه تجار و اصناف و نیز شورای نگهبان که هوادار مالکیت خصوصی، عدم دخالت گسترده دولت در اقتصاد و عدم کنترل تجارت داخلی و خارجی و حتی کاهش حوزه دخالت ولایت فقیه بودند؛ گرایش دوم خرده مالکانه-رادیکال سنتی در قالب روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی-دفتر تحکیم وحدت-خانه کارگروانجمن اسلامی معلمان که به عنوان خط امام طرفدار اصلاحات ارضی، قسط و عدالت، مداخله دولت در اقتصاد، وضع قانون کار، ملی کردن تجارت و غیره. تا سال ۶۵ خرده بورژوازی به جای طبقه کارگر بزرگترین طبقه اجتماعی ایران شد. بین سالهای ۶۵ و ۵۵، نیروی کار شاغل ۲/۲۰ میلیون نفر افزایش یافت. بیش از ۲/۳ این افزایش (۱/۵۸) به خرده بورژوازی تعلق داشت. تعداد آنان به ۴/۳۹ میلیون نفر، یا ۳۹/۹ درصد جمعیت شاغل افزایش یافت. با اضافه کردن کارکنان فامیلی بدون مزد آنان روی هم ۴۴/۹ درصد نیروی کار شاغل را تشکیل می دادند. مشابه سال ۵۵، فقط بخش بسیار کوچکی از خرده بورژوازی (۱/۱ درصد) در مقوله مدرن جامی گرفت. به عبارت دیگر تنها ۴۸۰۰۰ پزشک، وکیل، مهندس، دندان پزشک، حسابدار و متخصصانی مانند آنها بودند. دیگران در گروههای سنتی فروش و خدمات (۱۴/۱ درصد) و لید (۲۹/۱ درصد از جمله ساختمان) و کشاورزی (۵۳/۱ درصد) کار می کردند. در سال ۶۵ بیش از ۴۹۰۰۰۰ خرده فروش و ۳۳۶۰۰۰ راننده تاکسی و کامیون دار مستقل بودند، که جمعاً بالغ به ۸۲۶۰۰۰ نفر و ۷/۵ درصد کل نیروی کار شاغل می شدند، یعنی افزایشی برابر با ۵۲ درصد به نسبت سال ۵۵. در بخش کشاورزی، تقسیم مجدد زمین شمار خرده مالکان را که بعنوان کشاورزان مستقل همراه با کارکنان فامیلی بدون مزدشان کار می کردند، بایک یادو کارگر در استخدام داشتند، افزایش داد. همچنین پیداست که به کاهش چشمگیر در تعداد کارگران مزدبگیر کشاورزی از ۶۱۴۰۰۰ نفر در سال ۵۵ به ۲۱۴۰۰۰ نفر در سال ۶۵ منجر شد. این فرآیند دهقانی شدن کشاورزی است (هالیدی، ۱۳۵۸، ۱۸۳). سقوط دولت پهلوی دوم و پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جامعه ایران را با تغییرات گوناگون در ابعاد اجتماعی و سیاسی مواجه کرد. می توان ورود روحانیون، طبقه ی متوسط سنتی و تجار بازار به نهادهای قدرت و همین طور سلطه سرمایه تجاری بر مناسبات اقتصادی را به مثابه مهمترین آنها تلقی کرد. در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۸۰ در میان گروهها و طبقات اجتماعی در ایران، صاحبان سرمایه تجاری و همچنین طبقه متوسط سنتی از نظر قدرت (ابزار اقتصادی، تشکیلات...) دارای موقعیت بهتری بودند [۲۷]. طبقه متوسط خاصه بخش سنتی و پایین آن، بخشی قابل توجهی از جمعیت ایران را در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۸۰ تشکیل می داد و می توان به صورت مجزا، جمعیت اقشار وابسته به این طبقه را ارزیابی کرد. مثلاً در بررسی های آماری، جمعیت کسبه بازار در حدود ۱/۵ میلیون نفر در سالهای اول دهه ۱۳۷۰ تخمین زده شده است [۲۸] در کنار آن در این میان می توان گفت جمعیت خرده مالک (۲ تا ۵ هکتاری) در مقایسه با اواسط دهه ۱۳۵۰ نزدیک به چهار درصد (۲۴/۴ درصد در برابر ۲۱/۸۳ درصد) افزایش داشته است. در بررسی خرده مالکان (۱۰ تا ۵۰ هکتاری) با ۳۵/۷ درصد جمعیت بهره بردار کشاورز می توان آنها را در زمره طبقه متوسط مرفه سنتی قرارداد (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۱، ۳۰). از میان اقشار جدید طبقه متوسط هم جمعیت دانشجویی کشور در سالهای آخر دهه ی ۱۳۷۰ روند فزاینده به خود گرفت و به مرز ۱۰۷۰۰۰۰ نفر نزدیک شد [۲۹] رشد چشمگیر کشاورزی، در مقایسه با سایر فعالیتهای اقتصادی، در بوجوه هرج و مرج انقلابی و اختلال های اقتصادی پدیده قابل توجهی است. و شایسته توضیح دلایل اصلی در این مورد تقسیم پذیری زمین کشت و نظر فقهی رایج درباره مالکیت زمین و تصاحب محصول کشت بود. در نخستین سالهای پس از انقلابی حدود ۸۰۰۰۰۰ هکتار زمین دایر در نخستین سالهای پسا

انقلابی حدود ۸۰۰۰۰۰ هکتار زمین دایر (۶ درصد زمین های قابل کشت ایران) میان دهقانان بی زمین یا خرده مالک از طریق تصرف عدوانی تقسیم شد. باتصاحب زمین ها، کشاورزان بلافاصله شروع به کشت قطعات زمین تازه بدست آمده کردند تا مالکیتشان را تثبیت کنند. تقسیم پذیری زمین واستفاده مولد از آن در مقایسه با فعالیت های صنعتی، حتی با امکانات محدود دهقانان خرد، کشت زمین به تصاحب درآمده را امکان پذیری ساخت. بعلاوه، بر طبق فقه اسلامی، زمینی که در مدت زمان معینی کشت نشود، ممکن است بایر تلقی شود و از این رو، ممکن بود دولت اسلامی آن رامصادر و مجدداً توزیع کند. در زمان انقلاب، عقیده رایج این بود که مطابق شرع اسلام محصول کشت شده، حتی بر زمینی که نامشروع بدست آمده باشد، در تملک قانونی کشت گر خواهد بود بنابراین، دهقانان سریعاً به کشت زمین های تقسیم شده پرداختند (بهداد، نعمانی ۱۳۸۷، ۷۹). تا سال ۱۳۶۵، خرده بورژوازی به جای طبقه کارگر، بزرگترین طبقه اجتماعی ایران شد. بین سال های ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، نیروی کار شاغل به ۲/۲۰ میلیون نفر افزایش یافت. بیش از دو سوم این افزایش ۱/۵۸ میلیون نفر به خرده بورژوازی تعلق داشت. تعداد آنان به ۴/۳۹ میلیون نفر یا ۳۹/۹ درصد جمعیت شاغل افزایش یافت. با اضافه کردن کارکنان فامیلی بدون مزد، آنان روی هم ۴۴/۳ درصد نیروی کار شاغل را تشکیل می دادند. مشابه سال ۱۳۵۵، فقط بخش کوچکی از خرده بورژوازی (۱/۱ درصد) در مقوله مدرن جامی گرفت. در بخش کشاورزی، تقسیم مجدد زمین شمار خرده مالکان را که بعنوان کشاورزی مستقل همراه با کارکنان فامیلی بدون مزدشان کاری کردند، یا یک یادو کارگری که در استخدام داشتند افزایش داد. همین پدیده است که به کاهش چشمگیر در تعداد کارگران مزد بگیر کشاورزی از ۶۱۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۹۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ منجر شد این فرایند دهقانی شدن کشاورزی است.

جدول ۱- توزیع قشر های دهقانی در مناطق روستایی کشور

قشر	تعداد	درصد
خرده پا	۸۶۹	۳۳/۴
متوسط	۱۱۶۶	۴۵
مرفه	۵۶۰	۲۱/۶

جمع ۲۵۹۵ در سال ۱۳۷۰ ماخذ: سرشماری کشاورزی ۱۳۷۰

جدول ۲- ترکیب طبقاتی ۵۵-۶۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷، ص ۲۵)

ترکیب طبقاتی	کل هزار نفر (۱۳۵۵)	درصد (۱۳۵۵)	کل هزار نفر (۱۳۶۵)	درصد (۱۳۶۵)
کارکنان فامیلی بدون مزد	۱۰۲۱	۱۱/۶	۴۸۴	۴/۴
فروش و خدمات	۱۴	۱/۴	۱۱	۲/۲
کشاورزی	۵۸۷	۵۷/۵	۳۸۶	۷۹/۸
تولید	۴۱۸	۴۰	۸۰	۱۶/۶
سایرین	۲	۲	۶	۱/۳
سرمایه داران	۱۸۷	۲/۱	۳۴۱	۲/۱
جدید	۲۳	۱۲/۸	۲۲	۶/۵
سنتی	۱۵۹	۸۷/۲	۳۱۹	۹۳/۵
متوسط	۴۷۷	۵/۴	۷۷۴	۷
خصوصی	۱۰۲	۲۱/۳	۶۴	۸/۳
بخش اقتصادی واجتماعی	۳۷۶	۸۷/۷	۷۱۰	۹۱/۷
خرده بورژوازی	۲۸۱۰	۳۱/۹	۴۳۹۰	۳۹/۹

جدید	۳۴	۱/۲	۴۸	۱/۱
سنتی	۲۷۷۶	۹۸/۸	۴۳۴۳	۸۹/۹
کارکنان فامیلی بدون مزد	۱۰۲۱	۱۱/۶	۴۸۴	۴/۴
طبقه کارگر	۳۵۳۶	۴۰/۲	۲۷۵۲	۶/۲۴
بخش خصوصی	۲۹۷۰	۸۴	۱۸۱۰	۶۷
بخش دولتی اقتصادی واجتماعی	۵۶۶	۱۶	۸۹۲	۳۳
کارگزاران سیاسی	۷۳۱	۸/۳	۱۸۵۱	۱۶/۸
اعضای عادی	۶۷۲	۹۱/۹	۱۶۴۷	۸۹
نیروی نظامی، شبه نظامی	۳۸۶	۵۲/۷	۱۱۹۷	۶۴/۷
نامشخص	۴۱	۵	۴۵۸	۴/۲
کل	۸۷۹۹	۱۰۰	۱۱۰۰۲	۱۰۰

۱۱. نتیجه گیری

تمام قوانین و اقداماتی که قبل از اجرای اصلاحات ارضی صورت گرفت، نتوانست بهبودی در زندگی روستائیان حاصل نماید، چراکه شعار حمایت از دهقانان جنبه نمادین داشت و از نظر عملی به موقع اجرا گذاشته نشد. این سیر تحول در نظام زمین داری در ایران، در واقع تغییراتی در سیستم کشاورزی و با مال سطح زندگی دهقانان ایجاد نمود. یکی از مشخصه‌های اصلی جامعه روستایی پیش از اصلاحات ارضی، وجود سیستم ارباب - رعیتی بود که بر اساس آن اکثر روستاهای ایران درد است عده‌ای مالک منتفذ و ثروتمند قرار داشت و قشر عظیمی از کشاورزان بر روی زمینهای اربابان مشغول کار بودند. به این ترتیب بین اربابان و رعایا یک خلاء و فاصله طبقاتی عمیقی وجود داشت. بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۹۷۹ در ایران و به روی کار آمدن حکومت جدید، روند اصلاحات ارضی به طور کلی دستخوش تغییر شد. شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۶۳ اجرای قوانین اصلاحات ارضی را مخالف با مذهب اسلام تشخیص داد و روند اصلاحات ارضی به طور کلی متوقف شد. هشت سال بعد، مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۲ خرداد ۱۳۷۰ ادامه روند اصلاحات ارضی را قانونی اعلام نمود. پس از اصلاحات ارضی و به خصوص بعد از انقلاب اسلامی، ساختار جامعه روستایی از حالت درون گرایانه، بسته به سمت ساختاری باز، برون گرا و وابسته تغییر مسیر داده که مسایل و ویژگی های مثبت و منفی خاص خود را به دنبال داشته است. ساختار جامعه روستایی قبل از اصلاحات ارضی که در قالب نظام ارباب - رعیتی اداره می شد، جامعه ای بسته بود که به لحاظ جامعه شناختی از مجموعه ای از خانوارهای خرده مالک، زارع صاحب نسق و فاقد نسق (خوش نشین)، مالکان و عوامل آنها و تعدادی صنعتگر، کسبه نزول خواران تشکیل شده بود. مالکیت اراضی قبل از اصلاحات، انواع مالکیت در صد نسبت به کل اراضی در صد نسبت به کل دهات املاک متعلق به مالکان بزرگ ۴۳/۳۴ کسانی که بیش از ۱۰۰ هکتار در اختیار داشتند، ۸/۳۳ خرده مالک ۱۲/۱۰ ۱۳/۴۱ املاک متعلق به دربار ۱۳/۱۰ ۶/۲ املاک وقفه ۲/۱ ۸۱/۱ املاک متعلق به عشایر ۳۳ املاک دولتی ۴/۳ ۶۷/۳ سایر ۱۰/۱۶ ملاحظه می شود که بزرگ مالکان و دربار در صد بالایی از اراضی در اختیار داشتند "تعداد بزرگ مالکان در ایران

محدود بود و قدرتمندترین آنان از ۱۴۰۰الی ۵۰۰خانواده تشکیل می شدند که بعضی از آنان، بیش از ۳۰۰دهه در اختیار داشتند. براساس یک تخمین، ۳۷خانواده فقط مالک ۱۹۰۰۰ ده یعنی در حدود ۳۸درصد از کل دهات بودند، در سال ۱۳۵۵، طبقه سرمایه دار در ایران کوچک و پراکنده است و سرمایه داران کوچک (همراه با خرده بورژوازی) در بخش صنعتی از لحاظ تعداد غالب هستند. ۴۱درصد بورژوازی (۵۰درصد در مناطق شهری) در فعالیتهای خدماتی شرکت داشتند. تقریباً یک چهارم (۲۳/۱درصد) بورژوازی شهری در خدمات خرده فروشی، که موسسات اغلب کمتر از ۱۰کارکن را استخدام می کنند مشغول بودند. در اقتصاد روستایی ۶۷درصد بورژوازی به کار کشاورزی می پرداختند. در سال ۱۳۵۵، ۲/۸میلیون نفر کارکن مستقل ۳۱/۹درصد نیروی کار شاغل را تشکیل می داد و علاوه بر آن یک میلیون کارکن فامیلی بدون مزد نیز بود. این دو گروه، روی هم بالغ بر ۴۳/۶درصد نیروی کار شاغل می شدند. فقط ۱/۲درصد خرده بورژوازی (مدرن) بود، که آن هم عمدتاً در مشاغل حرفه ای و فنی کاری کرد. بزرگترین گروه در میان خرده بورژوازی سنتی در بخش کشاورزی است. در سال ۱۳۵۵، تعداد شاغلان دولتی، ۱/۶۷میلیون نفر بود. در میان کارکنان دولت، ۳۷۶/۰۰۰ نفر مدیران و موسسای عالی رتبه و کارکنان حرفه ای و علمی و فنی بودند که در خدمات اجتماعی غیر کالایی دولتی و فعالیتهای اقتصادی اشتغال داشتند. در سال ۱۳۵۵، باز نزدیک شدن انقلاب، ۳/۵میلیون نفر از نیروی کار شاغل ایران (۴/۲درصد) طبقه کارگر نامنسجمی را تشکیل می داد که متناسب با پراکندگی طبقه سرمایه دار بود. در سال ۱۳۵۵، دولت ۱/۶۷میلیون مزد و حقوق بگیر (۱۹درصد نیروی کار) را در استخدام داشت. در دهه اول بعد از انقلاب کاهش چشمگیری در اندازه طبقه کارگر در ایران پدید آمد که به شدیدترین وجهی در اندازه طبقه کارگر شاغل در بخش خصوصی نمایان شد. بعد از انقلاب طبقه سرمایه دار ۸۷/۴ درصد افزایش یافت. تقریباً تمام این افزایش در تعداد سرمایه داران سنتی و اکثراً (۹۳/۷درصد) در تعدادی افرادی بود که فعالیت کشاورزی یا تولیدی داشتند. تا سال ۱۳۶۵ (بعد از انقلاب)، خرده بورژوازی به جای طبقه کارگر بزرگترین طبقه اجتماعی ایران شد. بین سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، نیروی کار شاغل ۲/۲۰میلیون نفر افزایش یافت. بیش از دو سوم این افزایش (۱/۵۸میلیون نفر) به خرده بورژوازی تعلق داشت. طبقه متوسط به طرز خاص در دهه پس از انقلاب رشد کرد، تعداد کارکنان طبقه متوسط بخش خصوصی ۳۷/۲درصد کم شد و تعداد کارمندان دولت ۸۸/۸درصد افزایش یافت. در بعد از انقلاب ما شاهد گسترش طبقه خرده مالک بعنوان کشاورز مستقل همراه با کارکنان فامیلی بدون مزدشان هستیم.

۱۲. منابع

- ۱- مهدوی، ابراهیم (۱۳۶۱). درباره اصلاحات ارضی، تهران: بی نا
- ۲- اشرف، احمد (۱۳۶۱). ب. دهقانان، زمین و انقلاب (مجموعه مقالات)، تهران: آگاه
- ۳- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۹). تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، شیراز: نوید
- ۴- اشرف، احمد (۱۳۵۲). تحولات اخیر در نظام های زمین داری و پیدایش نظام بهره برداری، تهران: آموزشگاه خدمات اجتماعی
- ۵- هالیدی، فرد (۱۳۸۵). دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل ... نیک آیین، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- ۶- اشرف، احمد (۱۳۶۱). الف. مسایل ارضی و دهقانی (مجموعه مقالات)، تهران: آگاه
- ۷- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۵). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی
- ۸- هوگلند، اریک (۱۳۸۱). زمین و انقلاب در ایران، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ اول، نشر و پژوهش شیرازه
- ۹- شاهرودی، شهرام (۱۳۷۳)، اصلاحات ارضی و پیامدهای آن. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق

- ۱۰- اشرف، احمد(۱۳۵۲). مشخصات اقتصادی واجتماعی نظامهای بهره برداری کشاورزی در ایران، تهران: سازمان برنامه وبودجه، مرکز آموزش برنامه ریزی منطقه ای، بی نا
- ۱۱- بهدادونعمانی، سهراب وفرهاد(۱۳۷)، طبقه و کار در ایران، محمود متحد، آگاه
- ۱۲- طلوعی، محمود(۱۳۷۰). فرهنگ جامع سیاسی، تهران: علم وسخن
- ۱۳- هالیدی، فرد(۱۳۸۵). دیکتاتوری وتوسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل ا... نیک آیین، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- ۱۴- مومنی، باقر(۱۳۵۹). مسئله ارضی وجنگ طبقاتی در ایران، تهران: پیوند
- ۱۵- وثوقی، منصور(۱۳۶۷). جامعه شناسی روستایی، کیهان
- ۱۶- بیگی نسوان، حسین(۱۳۷۶). "اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی ایران". پانزده خرداد، دوره ۱، شماره ۲۵
- ۱۷- ازکیا، مصطفی(۱۳۷۰). جامعه شناسی توسعه وتوسعه نیافتگی روستاهای ایران، چاپ سوم، تهران: نشر اطلاعات
- ۱۸- طالب، عنبری، مهدی، موسی(۱۳۸۴). جامعه شناسی روستایی (ابعاد تغییر وتوسعه در جامعه روستایی ایران)، تهران: موسسه انتشارات وچاپ
- ۱۹- آموزگار، جهانگیر (۱۳۷۵). فرازوفرودهای دودمان پهلوی، ترجمه اردشیر لطفعلیان، مرکز ترجمه ونشر کتاب
- ۲۰- لمبتون(۱۳۶۹). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهرامیری، چاپ سوم، تهران: مرکز انتشارات علمی وفرهنگی
- ۲۱- عبدالعظیم(۱۳۵۲). "برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی محتوای اساسی انقلاب وطن مارا تشکیل داد". نشریه بورس، دوره اول، شماره ۵۶
- ۲۲- یوانف، میخائیل، سرگه یویچ (۱۳۵۷). تاریخ نوین ایران، ترجمه تیزی، انتشارات اسلوچ
- ۲۳- تهرانی، منوچهر(۱۳۴۲). "اصلاحات ارضی وآگاهی دهقانان". نشریه بورس، دوره ۱، شماره ۳
- ۲۴- خسروی، خسرو(۱۳۵۷). جامعه دهقانی در ایران، تهران: پیام
- ۲۵- غفاری، غلامرضا(۱۳۸۶). "ساختار اجتماعی جامعه روستایی ایران". نشریه نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۹
- ۲۶- پورافضلی، نجفی، حسن، بهاءالدین(۱۳۵۱). اصلاحات ارضی واحدهای دسته جمعی تولید کشاورزی، شیراز: دانشگاه پهلوی
- ۲۷- صندوق مطالعاتی(۱۳۷۲). سیمای مالکیت ارضی مزروعی در ایران، تهران: وزرات کشاورزی
- ۲۸- خسروی، خسرو(۱۳۶۰). مسئله ارضی ودهقانان تهیدستدر ایران، تهران: نشر بیدار
- ۲۹- بیگی نسوان، حسین(۱۳۷۶). "اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی ایران". پانزده خرداد، دوره ۱، شماره ۲۵